



راهکار تحقق عزتمندی در آموزه‌های امام حسن عسکری (ع)

در این نگاشته، چگونگی راهکارهای عزتمندی واقعی انسان با بهره‌گیری از آموزه‌های امام حسن عسکری (ع) برای عموم پیروان اهل بیت (ع) از منظر آیت الله جوادی آملی تبیین شده است.

در این نگاشته، چگونگی راهکارهای عزتمندی واقعی انسان با بهره‌گیری از آموزه‌های امام حسن عسکری (ع) برای عموم پیروان اهل بیت (ع) از منظر آیت الله جوادی آملی تبیین شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، مقوله شناخت انسان و راهکارهای تحقق سعادت و کمال با بهره‌گیری از آموزه‌های ناب اهل بیت (ع) امری انکارناپذیر است. زیرا جوامع غربی با ارائه مکتب اومانیسم، تصویری نادرست از انسان ارائه نمودند که این امر منجر به نفی خداگرایی و ضدیت با خداوند متعال و آموزه‌های دینی در جوامع غربی شده است. نمود واقعی اومانیسم را می‌توان در توهین و هتاک رسانه‌ها و نشریات غربی به اسلام و پیامبر مهربانی (ص) مشاهده نمود.

لذا در سالروز میلاد امام حسن عسکری (ع)، تبیین شاخصه‌های وجودی انسان، با بهره‌گیری از آموزه‌های ناب انسان‌شناسی امام حسن عسکری (ع)، نویدبخش بازتولید معارف غنی اهل بیت (ع) در موضوع انسان‌شناسی به جامعه اسلامی است. در این نگاشته، چگونگی راهکارهای عزتمندی واقعی انسان با بهره‌گیری از آموزه‌های امام حسن عسکری (ع) برای عموم پیروان اهل بیت (ع) از منظر آیت الله جوادی آملی تبیین شده است، که در ادامه به مهمترین مؤلفه‌های آن اشاره می‌گردد؛

ذلت‌زدایی؛ راهکار حصول به عزت

مقوله چگونگی حصول عزتمندی برای انسان از جمله مسائلی است که از سوی امامان معصومین (ع) مورد توجه قرار گرفته است، لیکن سیطره آموزه‌های غربی در جوامع اسلامی منجر به شیوع برخ آسیب‌ها در جامعه در قالب ذلت‌پذیری شده است، لذا متأسفانه برخی رذایل اخلاقی در سطح جامعه اسلامی مشاهده می‌شود که عدم شایسته‌سالاری در مناصب اداری در نظام اسلامی از یک سو و نیز ذلت‌پذیری برخی افراد سست ایمان برای به دست آوردن برخی مطامع دنیایی از سوی دیگر، از جمله مصادیق پذیرش ذلت‌پذیری محسوب می‌گردد.

آیت الله جوادی آملی با بهره‌گیری از معارف ناب امام حسن عسکری (ع) در تقبیح ذلت‌پذیری و چگونگی حصول عزت برای انسان می‌گوید: وجود مبارک امام عسکری (ع) در یک بیان نورانی فرمود: «ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبةٌ تُذله» [۱]، ما گرایش‌هایی داریم، علاقه‌هایی داریم، یک اشتها و میلی هم داریم، این میلی‌ها ما گاهی صادق است گاهی کاذب، همان‌طوری که عطش گاهی صادق است گاهی کاذب و تشخیص عطش صادق و کاذب به عهده پزشک معالج است. گاهی صبح، صادق است و گاهی کاذب. تشخیص صبح صادق و کاذب به عهده منجم اخترشناس است. رغبت و میل هم گاهی صادق است گاهی کاذب. تشخیص به عهده انسان‌شناس واقعی است. انسان‌شناس واقعی همان انسان‌آفرین واقعی است که خدای سبحان باشد و انبیا و معصومین (ع)، سخنان همان انسان‌آفرین را می‌گویند.

ما گاهی به غذایی اشتها داریم و ذائقه ما لذت می‌برد، لکن این لذت، لذت کاذب است. چرا؟ برای اینکه این غذایی که مصرف کردیم به دستگاه گوارش دادیم می‌بینیم آسیب می‌بینیم درد شروع می‌شود، معلوم می‌شود این لذت، لذت کاذب است. ما به بعضی از امور رغبت داریم. میل داریم و نمی‌دانیم این میل، میل صادق است یا کاذب؟ این را طبیب ظاهری متوجه نمی‌شود. این را فطرت‌شناس می‌داند نه معده‌شناس و روده‌شناس و طبیعت‌شناس، فطرت‌شناس انسان کامل است.

وجود مبارک امام عسکری (ع) فرمود: «ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبةٌ تُذله» چقدر ناشایست است انسان به چیزی علاقه داشته باشد که باعث ذلت اوست. برخی می‌بینید برای رسیدن به یک مقام و پست و جاه تلاش و کوشش می‌کنند در حالی که توان آن را ندارند یا برای آنها مصلحت نیست، همین که رسیدند به آنجا ذلت اینها ظاهر می‌شود. فرمود مبادا شما به چیزی رغبت داشته باشید که این با عزت شما سازگار نیست. این تفسیر انسان به انسان است. همان‌طوری که طبیب ذائقه را با دستگاه گوارش تفسیر می‌کند نه با بیرون، یک وقت است می‌گویند اگر شما سیر خوردید دهن را بدبو می‌کند، مردم متأثر می‌شوند، این تفسیر ذائقه است به بیرون، یک وقت می‌گویند اگر این غذای مسموم را خوردی این با دستگاه گوارش ناسازگار است این تفسیر به درون است، منتها در محدوده طبیعت آن مسائل اخلاقی فراطبیعی است، وجود مبارک امام عسکری (ع) فرمود: آن رغبتی که باعث ذلت انسان است به دنبال آن رغبت نروید مؤمن به سراغ آن گرایش و میل و آن خواستنی که ذلت او را به همراه دارد نمی‌رود.

چیستی مفهوم ذلت

آیت الله جوادی آملی در تبیین چیستی مفهوم ذلت برای مؤمن می‌گوید: ذلت مؤمن به این است که نزد کسی مثل خودش سر خم بکند، نزد غیر خدا سر خم بکند، به غیر خدا محتاج باشد، نیازی به غیر خدا داشته باشد این ذلت است. فرمود: شما عزیزید. این عزت گرانبه‌است. این را با هر گرایشی از دست ندهید. در صورت از دست دادن عزت، این قدر انسان باید ذلیلانه با این و با آن بجوشد تا به مقامی برسد. امام (ع) فرمود: این چه کاری است؟ «ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبةٌ تُذله» [۲]، لذا

وقتی ذلت‌زدایی کردیم به مقام عزت رسیدیم فهمیدیم که عزیز بودن، گوارا بودن، مقامی داشتن برای خودمان حساب باز کردن، این مهمترین اصل است.

تزکیه؛ شاخصه بنیادین در کمال و عزتمندی انسان

آیت الله جوادی آملی در تشریح راهکارهای کلیدی برای حصول عزتمندی انسان با استفاده از آموزه های امام حسن عسکری(ع) می گوید: بیان نورانی امام حسن عسکری(ع) این است که «الوصول الی الله عزوجل سفر لا یدرک الا بامتطاء اللیل» [۳] این را وجود مبارک امام عسکری(ع) فرمود، فرمودند این سفری است، و سفر نیز با مرکب قابل طی کردن است، بدون وسیله نقلیه آدم سفر طولانی را چطور طی کند؟ لذا فرمود این راه، راه طولانی است این سفر، سفر طولانی است «إن الوصول الی الله سفر» که این بدون مرکب نمی‌شود، مرکبش هم نماز شب است «إن الوصول الی الله سفر لا یدرک الا بالامتطاء اللیل» [۴] این باب افتعال است «إِمتطاءً» یعنی «أخذ المَطيّه» مطیه یعنی مرکب، راهوار، خوب انسان سحر برمی‌خیزد و با خدایش گفتگو می‌کند، خودش را به او می‌سپارد، از لغزشها به برکت او مصون می‌ماند، نه بیراهه می‌رود نه راه کسی را می‌بندد کسانی که این راه را طی می‌کنند به قدری از زندگی لذت می‌برند که هیچ کسی به اندازه آنها لذت نمی‌برد.

لذا نماز شب یک مرکب خوبی است، خب سوار این مرکب بشوید بروید. اگر می‌خواهید عزیز بشوید و گرامی بشوید باید از خیلی از چیزها صرف‌نظر کنید. یک وقت آدم بینی‌اش بسته باشد وقتی یک سلسله غذاهای به حسب ظاهر شیرین را شیرینی را، میوه‌های شیرین را می‌بیند طمع می‌کند، اما وقتی شامه‌اش باز باشد بوی بد اینها را می‌شنود اصلاً رغبت ندارد، خودش را به زحمت نمی‌اندازد. دعوا بر میوه‌های پوسیده نمی‌کند برای اینکه شامه‌اش باز است می‌داند عاقبت باز ماند، یک مُردار برای کسی میوه نشد این باز بودن شامه، باز بودن بینی، باز بودن باصره، باز بودن سامعه همین است، لذا خداوند در قرآن کریم فرمود؛ یک عده چشمشان بسته است أُعِیْثُهُمْ فِی غِطَاءٍ عَنْ ذِکْرِی [۵] خب اگر کسی بوی غذای خوبی به مشامش برسد اما چشمش بسته باشد نداند که این آلوده است، نبیند آلوده است خب هوس می‌کند، لیکن این نماز شب آدم را سمیع می‌کند، آدم را بصیر می‌کند، شامه باز به آدم می‌دهد حالا آن مراحل عالی‌اش مخصوص انبیا و اولیاست، اما مراحل ابتدایی که مشکل ما را حل کند به ما خواهد رسید.

تحصیل و تعلیم علوم اهل بیت(ع)؛ شاخصه عزتمندی انسان

بدون شک علم آموزی در راستای تقرب الی الله از جمله آموزه های ائمه اطهار(ع) برای حصول سعادت و عزتمندی و کمال انسان است. لذا آیت الله جوادی آملی در تفسیر این روایت نورانی امام حسن عسکری(ع) «الوصول الی الله عزوجل سفر لا یدرک الا بامتطاء اللیل» [۶] می گوید: امام حسن عسکری(ع) فرمود: شما می‌خواهید علم پیدا کنید نزد خداست، قدرت پیدا کنید، نزد خداست. ما تنها علم لدنی نمی‌خواهیم، بلکه علم لدنی می‌خواهیم، قدرت لدنی می‌خواهیم، عزت لدنی می‌خواهیم، کمال و جمال لدنی می‌خواهیم، همه این کمالات اگر لدنی باشد ماندنی است. «لَدْنٌ یعنی نزد»، علم لدنی در قبال فقه و اصول و فلسفه و کلام نیست که موضوع خاص داشته باشد، محمول خاص داشته باشد، مبادی خاص داشته باشد، مسائل خاص به نام علم لدنی داشته باشد، مثلاً فقه غیر از اصول است، حکمت غیر از کلام است، تاریخ غیر از طب است اینها موضوعاتشان فرق می‌کند، محمولشان فرق می‌کند، مبادی‌شان فرق می‌کند، مسائلشان فرق می‌کند، لذا علم لدنی علمی نیست که موضوع خاص داشته باشد، محمول مخصوص داشته باشد، مبادی داشته باشد اگر همین علوم را انسان از لدن یعنی از نزد خدای سبحان فراگیرد می‌شود علم لدنی. یک وقت است کسی سالیان متمادی درس می‌خواند می‌شود فقیه، این یک فقه عادی دارد، لیکن یک وقت است نظیر انبیای الهی، اولیای الهی که از لدن و از نزد ذات اقدس الهی این علوم را فرا می‌گیرند در آن صورت علم لدنی خواهد بود، یک وقت است انسان از این شیرها آب می‌گیرد این قدر دست به آن خورده، این قدر چشم به آن رسیده، این قدر لوله‌ها را پشت سر گذاشته تا به ما رسیده است، لیکن یک وقت انسان در کنار یک چشمه و از خود چشمه بلاواسطه آب می‌گیرد، که دست نخورده است، علم اگر از سرچشمه باشد می‌شود لدنی، اما اگر از لوله‌های کتاب و مجاری گفتن و قلم و بنان و بیان و دهها عالم باشد دیگر لدنی نیست این قدر دست خورده است، این قدر فکر به آن رسیده، این قدر تضارب آرا شده که معلوم نیست که حق باشد یا باطل یک راه غُذری برای ما هست.

ممکن است انسان در دامنه قدرت پیدا کند عزت پیدا کند، علم پیدا کند، حکمت پیدا کند اما هیچ کدام اینها لدنی نیست، لذا اگر کسی بخواهد عزت لدنی، آبروی لدنی، قدرت لدنی، علم لدنی داشته باشد باید سیر صعودی را طی کند. بنابراین همه اینها تفسیر انسان به انسان است نه به امور بیرونی بلکه به امور درونی، نه به امور اعتباری بلکه به امور حقیقی، این شاخصه ها برای اهل بیت(ع) عموماً و برای وجود مبارک امام حسن عسکری(ع) خصوصاً متصور است.

نویسنده: مهدی نجفی

پاورقی:

[۱]. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴.

[۲]. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴.

[۳]. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰.

[۴]. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰.

[۵]. سوره کف، آیه ۱۰۱.

[۶] . بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰.